



زیر تیغ جراحی رفته ام و توان استقامت ندارم...

ارزش ریالی پاهای فلج شده

آن ها که گاهی از پرداخت مزایای نقدی به جانبازان حرف می زنند و انتظار دارند با این چیزها ما را آرام کنند کجایند که ببینند این بچه ها سال هاست حسرت بغل کردن و در آغوش کشیدن فرزندان شان را به دل دارند و فرزندان شان حسرت قدم زدن با پدران شان را. آن ها نمی توانند این دردها و حسرت ها را درک کنند و فقط خداسست که می تواند ارزش کار این بچه ها را با اجر خود تعیین کند. همان مسئولان بیایند و جواب سوال های من را بدهند. ارزش ریالی پاهای فلج شده بچه ها چقدر است؟ ارزش چشم هایی که از حلقه درآمد، ریه هایی که تف دیده، دست هایی که قطع شده و... این ها چقدر قیمت دارند؟ هر که می تواند بیاید و قیمت بگذارد. پاسخ این سوال را بدهند که حاضرند چقدر بگیرند تا زیانشان را از دهان بیرون بکشند یا چشم هایشان را از کاسه در بیاورند، بیایند و قیمت بگذارند. بگویند حاضرند چقدر پول بگیرند که تا آخر عمر قطع نخاع باشند...

حالا دیگر علی آرام تر از اول گفت و گو، شده است. دردهای دلش آن قدر زیاد بود که نتوانست از گفتن آن صرف نظر کند، هرچند که به گفته خودش بارها مصاحبه کرده بود، اما هیچ گاه حرف هایش چاپ نشده است. احساس خوبی دارم، نه از این بابت که به علی قول داده ام حرف هایش را چاپ کنم و به عهدم وفا کرده ام، که این کوچک ترین وظیفه ام در قبال او و دوستان و یاران اوست، بلکه از این بابت که توانستم دقایقی با جانبازی هم صحبت شوم که ناامیدی و آزرده دلی تمام وجودش را فرا گرفته بود و حاضر به صحبت با من نبود اما در پایان گفت و گو لبخندی بر چهره اش نقش بست که هیچ شباهتی به اخم های اول گفت و گو نداشت. آرامشی که بار دیگر او را به شنیده شدن حرف هایش امیدوار کرد.



پنج
بهشت

ویژه نامه روزنامه **آسان** به مناسبت سی و چهارمین سالگرد دفاع مقدس

می گویی اگر صحت داشته باشد نتیجه عملکرد افرادی است که از نسل خود شما هستند. اگر من و امثال من که نسل شما را درک نکرده ایم چنین رفتاری با شما داشتیم شاید قابل توجیه بود اما ...

کلامم را قطع می کند و می گوید: اتفاقا نسل سوم و چهارم انقلاب، ما را بیشتر درک می کنند. جوانان امروز بیشتر حرف را می فهمند. همین بی مهری هم نسل های خودمان است که دل ما را به درد می آورد...

معلولان جنگی در اروپا، از پرداخت بهای کلیه خدمات شهری در اروپا معاف هستند، اما در ایران چه؟ خودت نگاه کن و ببین ما چه شرایطی داریم؟ درد ما از جسممان نیست، از روحمان است. این درد ما دردی نیست که از دشمنان داشته باشیم. درد ما از دوستانی است که لباس دشمن به تن کرده اند و شاید هم از دشمنانی در لباس دوست. به جز رهبر معظم انقلاب به هیچ کدام از مسئولان اعتماد ندارم، چون طی این سال ها، عملکرد همه آن ها را دیده ام و برایم تجربه شده است. اما حرفم را به همه آن ها می گویم که بدانند. اگر توانستی حرف های من را چاپ کنی این جمله را بنویس که بخوانند و بدانند که: «خیلی از آن ها در روز قیامت از دست ما کفن بر تن نخواهند داشت، چون حقوق ما را تضییع کردند.» نظر من این است که خیلی از آن ها به معاد اعتقادی ندارند که اگر داشتند با ما چنین رفتار نمی کردند. برخی از آن ها گاهی حرف هایی می زنند و وعده هایی می دهند که از ما کولی و سواری بگیرند اما به خدا آنقدر این جسممان ضعیف شده است که توان کولی دادن نداریم. خود من ۸۵ بار